یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به اقدامات انجام شده برای شناسنامه دار کردن شهروندان ایرانی بی‌شناسنامه گفت: با پیگیری‌های انجام‌شده، برای ۲۶ هزار نفر شناسنامه صادر شده‌وان‌شاءا... به‌زودی هیچ ایرانی بدون شناسنامه نخواهد بود. به گزارش ایسنا، محمدرضا بادامچی با انتشار مطلبی، اظهار کرد: با معاون پارلمانی وزیر کشور و رئیس سازمان ثبت احوال کشور مذاکراتی داشتم که گزارش‌های ارائه‌شده، امیدوار کننده بود.

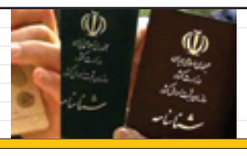

هزار ایرانی فاقد شناسنامه، شناسنامه‌دار شدند

گزارشی درباره آنان که زندگی می‌کنند اما بدون شناسنامه و مدرک هویتی

اینجاییم، اما اینجایی نه!

گروه اجتماعی- می توانی تصور کنی در شهر و دیاری زندگی می کنی اما نمی دانی اهل کجایی! مدرکی نیست که ثابت کند اسمت چیست؟ چه کاره‌ای؟ چند سال داری؟ محل تولدت کجاست؟ با چه کسی ازدواج کرده ای؟ و همین موضوع برای فرزندت نیز تکرار خواهد شد! فرضش هم دردناک است؛ زمانی که هویتت را کسی جز خودت نمی تواند اثبات کند!

در یکی از مناطق کم برخوردار شهر، به مدرسه کوچکی می روم. اینجا محل درس خواندن تعدادی از بچه های «بی شناسنامه» است. با هماهنگی معلم چند نفر از والدین به مدرسه می آیند تا درباره وضعیت فرزندانشان صحبت کنیم.

■ **مادر ایرانی، دارای شناسنامه/ پدر افغانستانی، بدون شناسنامه/و فرزندان...**

خودش را سمیه معرفی می کند. روی زمین نشسته و یک زانویش را در بغل گرفته است. به رسم زنان افغانستان شالی دور سرش پیچیده و لهجه اش هم کمابیش شبیه آنهاست. بی مقدمه درباره پسر کوچکش صحبت می کند.

می گوید: می خواهم این یکی تا آخر درس بخواند. هر چی دارم برایش خرج می کنم که باسواد شود.

پسرت کجا درس می خواند؟

تا کلاس سوم اینجا بود، بعدش رفت مدرسه عادی.

برای بچه هایی که مدرک ندارند شهریه چقدر است؟

اولش ۱۰۰ هزار تومان می گیرند بعد ماهی ۱۵ هزار تومان.

شوهرت کجاست؟

در جنگ افغانستان کشته شد.

چند تا فرزند داری؟

۸ تا. همه شان از دواج کردند. یکی از پسرهایم با یک دختر ایرانی که شناسنامه دارد ازدواج کرده ولی بچه هایش شناسنامه ندارند. بقیه هم با افغانستانی ها ازدواج کردند.

پس نوه هایت هیچ کدام شناسنامه ندارند؟

نه.

چرا با آدمی که شناسنامه یا برگه اقامت نداشت ازدواج کردی؟ ازدواجت کجا ثبت شد؟

قسمت بود! بین تمام خواهر و برادرهایم فقط من هستم که همسر یک خارجی شدم. عقدمان هم هیچ جا ثبت نشده فقط اعضای شورای روستایی امضا کردند.

خرج زندگی را چه طور تامین می کنی؟

پسرم تو کار بازیافت زباله است و کمیته امداد هم به خودم کمک می کند.

به این فکر نکردی که شناسنامه مهم است و اگر بچه هایت نداشته باشند با مشکل مواجه می شوند؟

من دوازده سالم بود که عروس شدم. این چیزها را نمی دانستم. ولی الان اهمیتش را می فهمم.

پیگیری کرده ای که برای فرزندانت شناسنامه بگیری؟

بله خیلی دنبالش بودم اما نشد. بچه ها کارت اقامت هم داشتند اما چون پول تمدیدش رو نداشتیم الان دیگر ندارند. اگر پسرها را بگیرند و ببرند نمی دانم چکار کنم؟!

روی دوپا جابه جا می شود و ادامه می دهد: به قول پسرم آدم بدون شناسنامه انگار کر و کوره. پسرم آرزو داشت کارپیدا کند، درس بخواند، سربازی برود اما نتوانست!

■ **مادر و پدر ایرانی، دارای شناسنامه/و فرزند ...**

فاطمه دختر دوازده ساله ایرانی بدون شناسنامه است. می گوید که تا کلاس سوم رایگان درس خوانده اما بعد از آن به دلیل نداشتن هزینه ثبت نام، درس را رها کرده است.

تو که ایرانی هستی چرا باید به مدرسه شهریه بدهی؟

چون مامانم برام شناسنامه نخریده!

- شناسنامه که خریدنی نیست، گرفتنیه. الان هم می توانی بگیری.

- نه نمی توانم چون بابام نیست! نمی دانیم کجاست. فکر می کنیم معتاد شده ما رو ول کرده.

فاطمه سرش را پایین می اندازد و لب می چیند. گویی غم گم شدن و نبود پدر بیشتر از نداشتن شناسنامه او را رنجانده است.

ادامه می دهد: مامانم رفت دنبال شناسنامه بهش ندادند!

دوست داری درس بخوانی؟

خیلی...

■ **مادر و پدر ایرانی، بدون شناسنامه/و فرزندان...**

سعیده اهل بلوچستان است. لباس محلی پوشیده و چهره اش از سی سال که سن واقعی اش است، شکسته تر می نماید. سرش بیشتر پایین است. انگار تمام مشکلات زندگی را تقصیر خودش می داند.

«جدوآبای ما از همان زمان که شناسنامه می دادند؛ مدرکی ندارند. همه مان هم با کسانی ازدواج کردیم که آنها هم شناسنامه نداشته اند»

می پرسم: - یعنی هیچ کدامتان نرفتید دنبال شناسنامه؟

رفتیم، ندادند! فقط یک دایی ام توانست بگیرد که او هم پول خرج کرد. باید وکیل بگیریم. چون هزینه اش زیاد است مانتوانستیم.

غیر از وکیل گرفتن از راه قانونی نمی شود؟

اداره اتباع خارجی رفته ام اما می گویند یا باید بدون مدرک بمانیم یا اینکه مدرک افغانی بگیریم.

یعنی کارت اقامت؟

بله. فقط یک قطعه عکس و ۱۵ هزار تومان پول می گیرند و کارت را تحویل می دهند.

خودشان پیشنهاد دادند تابعیت آنجا را بگیرید؟

بله. ولی من قبول نکردم. البته چند تا از اقوام این کار را کرده اند و با همان مدرک هم دارند راحت زندگی می کنند.

■ **خجالت می کشم که مدرکی ندارم**

سعیده در حالی که بغض کرده است، ادامه می دهد: همه مان بلاتکلیف هستیم! حالا می فهمم که داشتن شناسنامه چقدر مهم است و خجالت می کشم از اینکه مدرکی ندارم . مثلا بیمارستان که می رویم؛ مدارک می خواهند و مجبوریم از مدارک کسی استفاده کنیم یا استشهاد محلی جمع کنیم.

زایمان هایت چه طور بود؟

چون نمی توانستم بیمارستان بستری شوم، هر چهار زایمانم داخل خانه بود.

بغضش می شکند و ادامه می دهد: دو برادرم را چون مدرکی نداشتند، رد مرز کردند و آنها مجبور شدند بروند افغانستان!

نتوانستید ثابت کنید ایرانی هستید؟

نه نتوانستیم. هیچ خبری هم از آنها نداریم. اصلا تا حالا افغانستان را ندیده بودند. نمی دانم برادرهایم الان آنجا چه کار می کنند!

■ **مادر ایرانی، دارای شناسنامه/ پدر ایرانی فاقد شناسنامه/و فرزندان...**

«خاله ام شناسنامه دارد اما همسرش که تفاوت سنی زیادی هم با او داشته، در یک روستای دور افتاده زندگی می کرده و شناسنامه نگرفته است اگر همان زمان اقدام می کردند که ثابت می شد شوهر خاله ام ایرانی است، شاید خودش و بچه هایش می توانستند شناسنامه بگیرند اما این کار را نکردند و حالا بعد از فوت او این کار سخت شده است. البته ما خیلی دوندگی کردیم ولی به نتیجه ای نرسیدیم!»

معصومه ادامه می دهد: خاله ام شش بچه بی شناسنامه دارد که هیچ کدام درس نخوانده اند و فقط سواد قرآنی دارند. همه آنها با زن و مردهای شناسنامه دار ازدواج کرده اند اما نوه های پسری خاله ام شناسنامه ندارند.

او درباره مشکلات نداشتن شناسنامه می گوید: موقع سفر خیلی وقت ها شده در مسیر بین راهی از آنها مدارک خواسته اند یا مشکل دیگر مدرسه نرفتن بچه هاست با اینکه یکی از آنها هوش فوق العاده ای دارد و به درس خواندن علاقه دارد، متاسفانه بی سواد است.

او ادامه می دهد: پسر خاله هایم هر جایی نمی توانند کار کنند حتی چند بار خودم ضامنشان شدم اما مشکلات زیاد است خودتان قضاوت کنید، واقعا به آدمی که هویت نداشته باشد و درس هم نخوانده باشد کار می دهند؟!

■ **شناسنامه مدرکی است که....**

بچه های کلاس اولی سرزنده و خوشحال پشت میز نشسته اند. در چهره هیچ کدامشان دغدغه مدرک و شناسنامه نیست. فکر می کنم هفت سال سن کمی برای درک مشکلات باشد اما وقتی از آنها می پرسم: «بچه ها کی میدونه شناسنامه چیه و به چه درد میخوره؟!» جوابی می دهند که انتظارش را ندارم! همه شان به اتفاق می گویند: شناسنامه یعنی اگر پلیس دستگیرت کنه، زود آزاد میشی!

می پرسم: - دیگه چی؟

باز هم همان را به شیوه دیگری تکرار می کنند.

کسی میدونه شناسنامه غیر از این به چه درد میخوره؟

النار دختر ایرانی، افغانستانی، در آخرین نیمکت چوبی خودش را از بین بچه ها بیرون می کشد. قدش کش آمده و دستش را تا جایی که توانسته بالا آورده است. می خواهم که پاسخ دهد، می گوید: شناسنامه برگه کاغذی است که از آن برای شناسایی، ثبت نام در مدرسه، شغل و بهداشت استفاده می شود.

النار کامل ترین جواب را می دهد اما این دختر ۱۰ ساله هنوز خیلی کوچک است تا مفهوم عینی اهمیت این مدرک را درک کند. بدون شک بزرگ تر که شد تعریفی که معلمشان به او آموخته، دیگر در حد نوشته ای روی یک کاغذ یا مفهومی در ذهنش نخواهد ماند. او در می یابد که این چیزها نیمی از مشکلات او و بچه های مانند او است.

■ **رد پایشان را می توان در همه جا دید**

به محله ای می روم که طبق اطلاعات به دست آمده، تعدادی از افرادی که مشکل شناسنامه دارند، در آنجا زندگی می کنند. چندین نوجوان پسر در حال بازی فوتبال هستند. از آنها می پرسم شما ایرانی هستید یا؟ می گویند: افغانستانی. اما اینجا زندگی می کنیم. می گویند که کارت اقامت دارند اما خیلی ها را می شناسند که هیچ مدرکی ندارند. حامد که از همه بزرگ تر است ادامه می دهد: مدرسه همه را ثبت نام می کند اما از آنها پول بیشتری می گیرد.

آن طرف تر چند دختر نوجوان دور میزی نشسته اند. وارد جمع کوچکشان می شوم . چند نفر از آنها کارت اقامت ندارند. بهاره می گوید که امسال قانون پولی بودن ثبت نام در مدرسه برداشته شده است ولی قبلا باید ۲۰۰ هزار تومان پول شهریه می دادیم. او می گوید: داشتن کارت اقامت هم فرق چندانی ندارد! چون با کارت فقط باید در شهری که محل صدور آن است بمانیم و تنها یک فرصت چند روزه برای مسافرت به شهری دیگر داریم. دیگر دخترهای نوجوان نیز مانند بهاره از سختی های نداشتن مدرک می گویند. از آنها درباره خانواده های دیگری که مشکلات مشابهی دارند می پرسم و ده ها آدرس به دست می آورم که می دانم آنها هم همان حرف ها را تکرار خواهند کرد.

■ **آمار رسمی چه می گوید؟**

درباره ایرانی های بدون شناسنامه، آماری وجود ندارد؛ اما یکی از خبرگزاری ها در مهر ۱۳۹۴ نوشت: سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، عباس قائدی گفته است که احتمال می دهیم یک میلیون نفر فرزند حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان اتباع بیگانه در کشور زندگی می کنند که هویت آنها مشخص نیست . روزنامه ایران نیز در گزارشی در بهمن ۱۳۹۲ نوشته بود: آمارهای متفاوتی وجود دارد و می‌توان از میان آن‌ها این مطلب را استنباط کرد که حدود ۱۰۰ هزار کودک بی‌شناسنامه در جامعه زندگی می‌کنند؛ کودکانی که به‌طور عمده از مادر ایرانی و پدر افغانستانی یا عراقی به دنیا آمده‌اند. به ویژه این که این مشکل، در شهرهای مناطق مرزی کشور در حال افزایش است. با نگاهی به آمار موجود در می‌یابیم تعداد فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی با اتباع بیگانه ظرف ۱۰ سال گذشته از ۲۰۰ هزار نفر به یک میلیون نفر افزایش یافته است.

■ **افراد دو تابعیتی و مشکلات پیش رو**

یک مسئله مربوط می شود به افراد دو تابعیتی (دارای مادر ایرانی، پدر خارجی) بدون شناسنامه. در این زمینه نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نهم شهریور سال جاری طرح "اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی" را تصویب کردند. نماینده مشهد در مجلس طبق این طرح، در تاریخ دهم شهریور ماه امسال، به تسنیم گفته بود که جمعیت فرزندان حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با مردان غیر ایرانی بین ۸۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر برآورد شده و باوجود سکونت این جمعیت در ایران، حقوق و تکالیف آنها تعریف نشده است.

■ **در حال پیگیری هستیم**

در همین حال نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت وگو با خراسان می گوید: برای حل مشکل این افراد، طرح رفع تبعیض از ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه تهیه و تدوین شده و در مراحل رسیدگی و پیگیری است.

سهیلا جلودارزاده می افزاید: در قوانین اسلامی منعی برای ازدواج یک زن و مرد مسلمان نیست و بحث تابعیت و نژاد موضوعیتی ندارد لذا باید از ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، رفع تبعیض شود.

وی این اقدام را توهین به زن مسلمان ایرانی می داند و ادامه می دهد: باید برای زن ایرانی ارزش قائل شویم و آنها باید بتوانند برای فرزندانشان شناسنامه ایرانی بگیرند لذا مجلس دهم قوانین را در این خصوص اصلاح خواهد کرد.

■ **قانون تابعیت جامع و کامل نیست**

یک وکیل پایه یک دادگستری در این باره می گوید: طبق ماده واحده ای که در سال ۱۳۸۵ به این منظور به تصویب رسید، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا بشوند با داشتن شرایطی از جمله اینکه از دواج والدین به ثبت رسیده باشد، فرد سوء پیشینه کیفری یا امنیتی نداشته باشد، تابعیت غیر ایرانی رد اعلام شود و این پروسه ظرف مدت یک سال پس از رسیدن به ۱۸ سالگی صورت پذیرد، افراد می توانند پس از رسیدن به این سن تقاضای تابعیت ایرانی کنند.

اسما موسوی خراسانی می افزاید: این قانون نه تنها به لحاظ بسندگی حقوقی و جامعیت کافی نیست که اجرای آن در عمل به سختی ممکن است زیرا مسئله تابعیت را فقط پس از ۱۸ سالگی حل می کند لذا کودکان زیر ۱۸ سال همچنان فاقد هویت باقی می مانند و به تبع آن، حقوقی مثل حق تحصیل، از آن ها سلب یا برای آنها دشوار می شود. همچنین بسیاری از ازدواجهای زنان با اتباع خارجی غیر رسمی است که علت آن فرآیندی است که قانونگذار در ماده ۱۰۶۰ پیش بینی و این قبیل ازدواج ها را موکول به اجازه دولت کرده است. وی با اشاره به اینکه در عمل اجرای این قانون ابتر می ماند، ادامه می دهد: فرد ۱۸ ساله ای که تابعیت ایران را درخواست می کند، ابتدا باید تابعیت غیر ایرانی خود را رد کند؛ دادن چنین گواهی با سیاستهای جمعیتی کشورهای دیگر به ویژه افغانستان در تعارض است زیرا جمعیت یکی از ابزارهای قدرت است و کشورهایی مثل افغانستان یا عراق که برای تمرکز جمعیت در داخل کشور خود، در تلاش اند از صدور چنین گواهی امتناع می کنند به ویژه وقتی فرد دارای تحصیلات یا شرایط مناسب دیگر باشد. وی می گوید: قدم بعدی طی کردن راهی فرسایشی یعنی هماهنگ کردن حدود ۱۷ اداره و سازمان با یکدیگر در طول این یک سال است؛ فرآیندی که برای یک جوان ۱۸ ساله بسیار مشکل است و در واقع، این قانون فقط مشکل اقامت این فرزندان را حل کرده چرا که به آنها اجازه داده تا قبل از ۱۸ سالگی در ایران و در کنار مادر خود سکونت داشته باشند. وی می افزاید: طبق ماده ۱۶ قانون ثبت احوال، در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفلی ثبت نگردیده و پدر هم حاضر نباشد که شناسنامه کودک، با اعلام مادر و با قید نام کوچک پدر تنظیم شود، نام خانوادگی مادر به طفل داده می شود و تا اینجا به لحاظ وجود نص قانونی با نقیصه ای مواجه نیستیم اما این قانون باز هم در عمل مجال تحقق نمی یابد زیرا رویه های جاری در اداره ثبت احوال به گونه ای است که کمتر مادری موفق به اخذ شناسنامه طبق این قانون برای فرزندش می شود. وی با بیان اینکه در خصوص تابعیت دو سیستم مختلف در دنیا وجود دارد، اظهار می کند: یکی از این موارد سیستم خاک است که بر مبنای آن، تابعیت بر اساس محل تولد مشخص می شود یعنی طفل در هر سرزمینی متولد شود، تابعیت همان سرزمین را کسب می کند و دیگری سیستم خون است که تابعیت بر اساس میراث خانوادگی یا نسب تعیین می شود و کشور ما از سیستم خون پیروی می کند اما این قانون نقیصه ای بزرگ دارد زیرا فقط خون مردان به رسمیت شناخته شده است و زنان در مسئله تابعیت کاملا نادیده گرفته می شوند. این وکیل می افزاید: البته امسال، طرحی از سوی شیران نماینده مشهد به مجلس ارائه شده که رویکردی بسیار مساعد در این زمینه دارد و در صدد برطرف کردن معضل این افراد است. وی اظهار می کند: آمار ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در حال افزایش است لذا باید تبعیض در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی در مجلس قانونگذاری رفع شود. این ماده این نوع ازدواج ها را مشروط به اخذ مجوز از دولت دانسته است؛ امری که سبب غیر رسمی بودن آنها شده است.

■ **ایرانی هایی که شناسنامه ندارند**

اما بحث دیگر مربوط می شود به افرادی که در ایران متولد شده اند، والدین ایرانی دارند، اما شناسنامه ندارند.

ایرانی هایی که پدر و مادرشان دارای شناسنامه هستند اما خودشان بنا به دلایلی شناسنامه نگرفته اند باطی مراحلی در سازمان ثبت احوال، می توانند با جمع آوری استشهادمحلی اقدام به دریافت شناسنامه کنند اما مشکل اینجاست که بیشتر این افراد، دارای والدینی هستند که آنها هم شناسنامه یا مدرکی ندارند که این مشکل را سخت تر کرده است. همچنین برخی از زایمان ها داخل خانه انجام می شود و برگه گواهی ولادت در این خصوص موجود نیست! از طرفی کودکان حاصل از ازدواج موقت (بین دو ایرانی که شناسنامه ندارند) نیز به دلیل این که والدینشان فاقد سند ازدواج معتبر هستند، با مشکلاتی مواجه می شوند. روزنامه اعتماد در سال ۹۴ نوشت: در صورتی که پدر و مادر تا کنون شناسنامه دریافت نکرده باشند، صدور شناسنامه کودک آنها تقریبا ناممکن است. راهکار نامناسبی که هم اکنون برای این کودکان وجود دارد، اعلام آن به بهزیستی است. اما بهزیستی تنها برای کودکانی که مدت زیادی در آن مراکز زندگی کنند، شناسنامه صادر می کند، در حالی که بسیاری از آنها یا هرگز به بهزیستی نمی روند یا مدت کمی در آنجا هستند. در ضمن بسیاری از کودکان کانون اصلاح و تربیت هم شناسنامه ندارند. با مرور آیین نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت و بالاخص ماده های ۴، ۲۲، ۲۸، ۳۵، ۳۶ می توان دریافت با توجه به اهمیتی که قانونگذار به وضع تحصیل طفل و نحوه زندگی وی پس از آزادی قائل است، واحد مددکاری این کانون وظیفه دارد قبل از آزاد کردن این کودکان برای آنها شناسنامه اخذ کند. با این حال در موارد بسیاری مشاهده شده است که کانون پس از اتمام زمان حکم برای آنان شناسنامه اخذ نکرده است.

نگاهی متفاوت و طنز به اخبار کشور در ستون رادیو الآن
هر روز در صفحه «همشهری سلام»

آگهی تجدید مناقصه

اداره کل زندانهای خراسان رضوی در نظر دارد مقدار دویست تن روغن مایع (خوراکی و سرخ کردنی) و تعداد پانصد و پنجاه هزار قوطی تن ماهی مورد نیاز خود را از طریق مناقصه خریداری نماید. متقاضیان می توانند از تاریخ ۹۵/۱۱/۱۸ به مدت ۴ روز کاری و در ساعات اداری جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس ذیل مراجعه نمایند.
ضمنا اسناد مناقصه از طریق پایگاه ملی مناقصات به آدرس www.iets.mporg.ir نیز قابل دریافت می باشد.
آدرس: مشهد، بلوار قرنی، قرنی ۶، اداره کل زندانهای استان خراسان رضوی- اداره مالی پشتیبانی
شماره تماس: ۳۷۲۹۹۱۷۱-۰۵۱ آقای چاجی

عنوان دوره	طول دوره (ساعت)
مدیریت عالی پروژه و ساخت (DPM)	۴۰۰
مدیریت پروژه پیشرفته	۳۰۰
مدیریت ساخت و اجراء پیشرفته	۳۰۰
طراحی تاسیسات ساختمان پیشرفته	۴۰۰
معماری داخلی	۴۰۰
معماری داخلی پیشرفته	۴۰۰
کارشناسی و ارزیابی املاک	۱۵۰
نگهداری و تعمیرات در تاسیسات (نت)	۱۰۰

جدول [شماره ۶۷۶۴]

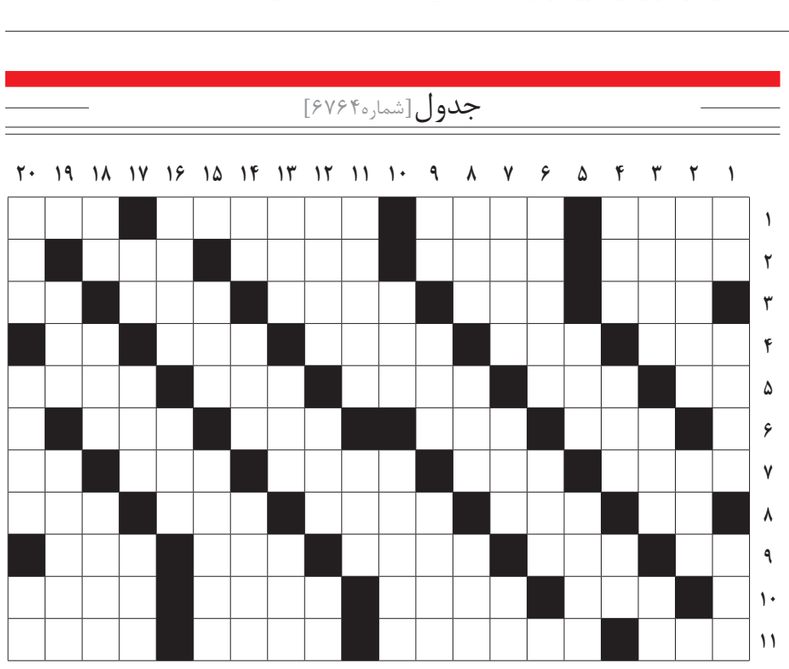

طراح جدول: مجید شادروح

افقی

۱- ترانه - سلام - از انواع مجازات - بانگ ۲- دیوار قلعه - جاری - واحد پول چین - همسایه ۳- پسوند مکان - میان - آرزوها - نقره - کافی ۴- پیاله - قمر - چاه ها - بازی خارجی - تکرار حرف ۵- جهت - قصه - صدمه - پیرامون - آغاز ۶- سحاب - عمارت - رود مصر - دشت ۷- پیکار - کلمه تصدیق - پیشوا - از خونخواران - ویتامین جدولی ۸- گشاده - خویشتن - طلایی - غذای زمین - از لبنیات ۹- زهر - نارس - فروریختن سقف - طریق - ویژه نامه پنج شنبه روزنامه خراسان ۱۰- گره - کج - قابله - واجب ۱۱- خاطر - بر کسی سخت گرفتن - سرنیزه - از سوزنی برگان

عمودی

۱- دشنام - برنا - مخفی ۲- گیرنده امواج - جغد - ۳- سنگ ترازو - نظرات - ناپسند ۴- پست - زنبیل - بخیه ۵- گذرگاه - نوکر ۶- قصر - نخست ۷- جلد - سرما - من

حل جدول شماره ۶۷۶۳

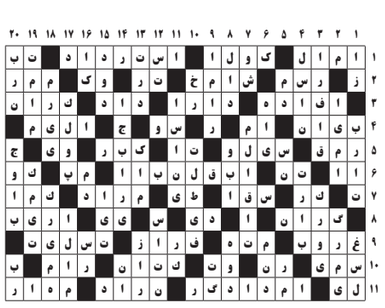

وشما ۸- دریاچه حمام - فوری - جواب های ۹- رود آرام - خمیازه - قایق کوچک ۱۰- از رنگ ها - گاری ۱۱- جیوه - آقا ۱۲- باند - قوت لایموت - فلز سرچشمه ۱۳- بیماری پوستی - کشت به امید باران - بخشی از پا ۱۴- عمر - ابله - ویر گول ۱۵- بدبوی پرخاصیت - سوغات قم ۱۶- رانده شده - عدل ۱۷- از حروف الفبای بیگانه - دیروز - ترس ۱۸- اگر - رنگ - خراش یا شکافی که به‌وسیلهٔ گاوآهن بر روی زمین ایجاد می کنند ۱۹- گرفتاری - اکسیر ۲۰- الفت - صمیمی - اسم ترکی